

پاسخی به یک نقد

آنچه می‌خوانید مطلبی است در پاسخ به نقد آقای آرین نوذری که تحت عنوان «در حاشیه گفت‌وگو با حسین مکی» در فصلنامه شماره سوم به چاپ رسیده بود. این پاسخ را آقای مکی برای سردبیری فصلنامه ارسال کرده‌اند که برای آگاهی خوانندگان عیناً به چاپ می‌رسد.

شخصی بد ما به خلق می‌گفت
ما از بد او نمی‌خورشیم
ما نیکی او به خلق گوئیم
تا هر دو دروغ گفته باشیم

در شماره سوم فصلنامه مذکور مطلبی با عنوان «در حاشیه گفت‌وگو با حسین مکی» آمده و انتقاداتی به قلم آقای آرین نوذری نسبت به موضوعاتی که در مصاحبه با این جانب در شماره نخست همین فصلنامه درج گردیده به عمل آمده است.

این جانب ضمن استقبال از هرگونه نقد اصولی و واقع‌بینانه از سوی نویسندگان و پژوهشگران تاریخ معاصر ایران باید تذکر دهم اگر نویسندگان محترم مطالب خود را مطابق با واقع و حقیقت بنویسند البته قابل احترام خواهند بود ولی متأسفانه گویا آقای نوذری نسبت به دقایق تاریخ معاصر ایران کمترین مطالعه‌ای نداشته است. گرچه بنا به کبر سن و کهولت و ناتوانی درصدد پاسخ به تمامی موارد اشکالات نامبرده نیستم و شاید بر اهل تاریخ پاسخ به تمامی موارد چندان ضرورتی هم نداشته باشد با این وصف تنها به ذکر چند نمونه آن هم به مصداق مشت نمونه خروار نکاتی را به شرح زیر متذکر می‌شوم. امیدوارم ایشان با مراجعه به کتابهایی از قبیل نسخ‌التواریخ، روضة‌الصفاء و سلسله کتابهای ۸ جلدی محمود محمود با عنوان تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم و سایر متون تاریخی معتبر دوره قاجاریه و سلسله پهلوی پاسخ شبهات خود را بیابند.

یادآور می‌شوم بیشتر مطالب مندرج در مقاله ایشان قبل از آنکه نقد مصاحبه مزبور باشد دامن زدن به اختلافات میان این جانب با اشخاصی مانند امیرعلایی و مشایخی است و منتقد محترم بسیار فراتر از مصاحبه عمل کرده است. به طوری که به رغم خود خواسته ضمن تخطئه، نوشتجات تاریخی بنده را رد نماید. قضاوت در کلیه این موارد و دادن پاسخ به همه آنها در این مقال نمی‌گنجد و شایسته است کلیه منابع مکتوب در این موارد مطالعه شود.

الف: ناقد ضمن اشاره به بیماری انگلوفوبیا (کار کار انگلیسی‌ها است) این جانب را متهم به ارائه مطالبی بدون ذکر سند کرده است. آنچه بنده در مصاحبه خود در مورد نقش دولت انگلستان

در رخدادهای سیاسی ایران ذکر کردم تنها بخشی از تجاوزات آن دولت بوده و همه مورخین و صاحب‌نظران اعم از داخلی و خارجی می‌دانند که نقش دولت انگلستان محدود به اظهارات این جانب نبوده و نیست. برای اطلاع ناقد متذکر می‌شوم در طول یکصد و پنجاه سال گذشته از زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار نقش مرموز این دولت به حدی است که تنها به بخشی از آنها به صورت فهرست‌وار اکتفا می‌نمایم، باشد تا ایشان و سایرین در مقام مطالعه بیشتر برآیند.

۱. تشویق دولت ایران در زمان سلطنت فتحعلی شاه به جنگ با دولت روسیه تزاری
۲. میانجیگری غیرعادلانه در مذاکرات بین ایران و روسیه بعد از جنگهای میان دو کشور
۳. تضعیف دولت ایران و کوشش جهت تجزیه قسمتهایی از خاک ایران مانند بلوچستان و انضمام آن به شبه قاره هندوستان
۴. کوشش به منظور تجزیه افغانستان از ایران هنگامی که حسام‌السلطنه هرات را در محاصره خود داشت و پیاده کردن سربازان انگلیسی در جنوب ایران و اشغال بوشهر
۵. کوشش به منظور به قدرت رساندن عواملی که مجری سیاستهای انگلستان بودند مانند میرزا آقاخان نوری

۶. تحمیل قرارداد پاریس به ایران در مورد جدا کردن افغانستان از خاک ایران
۷. تحمیل قرارداد ۱۹۰۷ که به موجب آن دیویزیون قزاق در شمال ایران و پلیس جنوب (S.P.R) در جنوب ایران تشکیل شدند که استقلالی برای ایران باقی نمی‌گذاشتند.
۸. تحمیل قرارداد سری ۱۹۱۵ به طوری که اگر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه به وقوع نیبوسته بود کشور ایران به کلی استقلال خود را از دست داده بود.
۹. تحمیل قرارداد ۱۹۱۹ و حاکمیت این دولت بر کلیه شئون نظامی و اقتصادی ایران
۱۰. تحمیل کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ که آبرونساید در خاطرات خود صریحاً بدان اعتراف کرده است.

۱۱. توطئه در به قتل رساندن ماژور ایمیری، کنسول امریکا در ایران
۱۲. کوشش به منظور انقراض سلطنت قاجاریه
۱۳. کوشش جهت تحمیل قرارداد ۱۹۳۳ و تمدید امتیازنامه داری و قس علیهدا

ب: در مورد دفاع از کیان سلطنت یادآور می‌شوم از زمان اشغال ایران توسط ارتش متفقین و سقوط رضاشاه و به قدرت رسیدن محمدرضا بهلوی، بنده و برخی از همفکران از جمله شخص دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی فعالیتهای سیاسی خود را در چارچوب قانون اساسی آغاز نمودیم و در این مسیر به شهادت اسناد و مدارک موجود همواره مصالح ملی را مقدم بر منافع شخصی یا گروهی دانستیم براین اساس علی‌رغم تقاضای دکتر مصدق و موافقت شخص شاه مبنی بر قبول پست وزارت دربار، این جانب که آن زمان نماینده اول تهران بودم هیچ‌گاه این سمت را قبول نکردم و می‌توانید به روزنامه کیهان شماره ۲۹۶۱ مورخ یکشنبه ۱۶ فروردین ماه ۱۳۳۲ که مشروح این جریان را ذکر کرده مراجعه نمایید.

در پایان از مسئولان آن نشریه و زین درخواست می‌کنم از درج مطالب و مقالاتی که به دور از واقعیت‌های تاریخ و اسناد مثبت باشد پرهیز کنند.

حسین مکی
۱۴ بهمن ۱۳۷۶